

کریس روجک

کتاب انسان شناخت

ترجمه عباس مخبر

# نظریه فراغت

اصول و تجربه‌ها



انتشارات تیس

|    |  |
|----|--|
| ۹  | پیشگفتار.....                              |
| ۱۵ | مقدمه.....                                 |
| ۳۷ | فصل یکم: بازگویی فراغت.....                |
| ۳۹ | ۱. ابعاد ویژه نوعی و فرهنگی روایت.....     |
| ۴۰ | ۲. تناقض قوم‌محوری.....                    |
| ۴۱ | ۳. ایدئولوژی و احضار.....                  |
| ۴۳ | ۴. توماس هابز: کشمکش، کمیابی و یگانگی..... |
| ۴۵ | ۵. اراده‌گرایی و جبرباوری.....             |
| ۴۶ | ۶. مناسبت‌های «الف» و «ب».....             |
| ۵۰ | ۷. روش‌شناسی مکان و بستر.....              |
| ۵۴ | ۸. مفهوم‌بندی فراغت.....                   |
| ۵۶ | ۹. دام روان‌شناسی‌گری.....                 |
| ۶۰ | ۱۰. سیلان.....                             |
| ۶۲ | ۱۱. ذات‌باوری، جسمیت و مکانیت.....         |
| ۶۴ | ۱۲. ارزش چشم‌انداز تطبیقی و تاریخی.....    |
| ۶۶ | ۱۳. ایدئولوژی اراده‌گرایی و جبرباوری.....  |
| ۶۹ | ۱۴. فراغت و رضایت از زندگی.....            |
| ۷۱ | ۱۵. اخلاق‌شناخت.....                       |
| ۸۱ | فصل دوم: تحلیل کنش.....                    |
| ۸۱ | ۱. تحلیل کنش.....                          |
| ۸۶ | ۲. سیاست‌زندگی.....                        |

|     |   |
|-----|---|
| ۹۲  | ۳. رویکرد نظام‌های اجتماعی                    |
| ۹۶  | ۴. رویکرد کنش متقابل                          |
| ۱۰۱ | ۵. مارکسیسم                                   |
| ۱۱۳ | ۶. فمینیسم                                    |
| ۱۲۳ | فصل سوم: کارکردهای اولیه                      |
| ۱۲۸ | ۱. بازیابی مفهوم کارکرد                       |
| ۱۳۰ | ۲. بازنمایی                                   |
| ۱۳۴ | ۳. هویت                                       |
| ۱۴۰ | ۴. کنترل                                      |
| ۱۵۰ | ۵. مقاومت                                     |
| ۱۶۵ | فصل چهارم: رمزگذاری و بازنمایی                |
| ۱۶۷ | ۱. رمزگذاری و رمززدایی                        |
| ۱۷۰ | ۲. مک کانل و گاتدینر: نشانگرها و مضمون‌پردازی |
| ۱۷۵ | ۳. اسطوره‌زایی و فراغت                        |
| ۱۷۷ | ۴. اسطوره بومی به منزله «منبع فراغت»          |
| ۱۸۰ | ۵. رمزگشایی از اسطوره                         |
| ۱۸۳ | ۶. میراث فرهنگی و تکثر فرهنگی                 |
| ۱۸۵ | فصل پنجم: دور زندگی و نسل‌ها                  |
| ۱۸۵ | ۱. مسیر زندگی                                 |
| ۱۸۶ | ۲. جوانی                                      |
| ۱۸۷ | ۳. میانسالی                                   |
| ۱۸۹ | ۴. کهنسالی                                    |
| ۱۹۳ | ۵. نسل‌ها                                     |
| ۱۹۷ | فصل ششم: قدرت و فراغت                         |
| ۲۰۲ | ۱. فراغت و سلسله‌مراتب ساختاری قدرت           |
| ۲۰۷ | ۲. نهادهای اعمال فشار هنجاری                  |
| ۲۱۱ | فصل هفتم: سازوکارهای تنظیمی                   |
| ۲۱۳ | ۱. طبقه                                       |
| ۲۲۱ | ۲. جنسیت                                      |
| ۲۲۱ | ۳. اشتغال دستمزدی                             |
| ۲۲۲ | ۴. کارهای خانه                                |
| ۲۲۴ | ۵. تمایلات جنسی                               |

|     |                                       |
|-----|---------------------------------------|
| ۲۲۷ | ۶. خشونت                              |
| ۲۲۹ | ۷. نژاد                               |
| ۲۳۵ | ۸. شغل                                |
| ۲۴۲ | ۹. سازوکارهای تنظیمی: خلاصه           |
| ۲۴۵ | فصل هشتم: اصول مکان                   |
| ۲۵۱ | ۱. تراز شاخصی                         |
| ۲۵۲ | ۲. تراز همگونگی                       |
| ۲۵۴ | ۳. تراز یکپارچگی                      |
| ۲۵۵ | ۴. فراغت جدی و غیرجدی                 |
| ۲۶۰ | ۵. تراکم اجتماعی و سرمایه اجتماعی     |
| ۲۶۲ | ۶. گریز، تجربه حدی و فعالیت‌های پرخطر |
| ۲۶۵ | ۷. صورت‌های غیرعادی فراغت             |
| ۲۶۶ | ۸. فراغت تهاجمی                       |
| ۲۶۶ | ۹. فراغت زهر آگین                     |
| ۲۶۷ | ۱۰. فراغت وحشیانه                     |
| ۲۶۹ | فصل نهم: مسائل عمده                   |
| ۲۷۰ | ۱. پرسش‌های خاص رشته‌ای               |
| ۲۷۰ | ۲. تمایزهای واقعیت/ارزش               |
| ۲۷۵ | ۳. پیچیدگی سرمشق‌های چندگانه          |
| ۲۷۹ | ۴. استقلال حرفه‌ای                    |
| ۲۸۱ | ۵. چالش‌های تفسیری                    |
| ۲۸۵ | ۶. حذف اجتماعی و اقتصادی؟             |
| ۲۹۴ | ۷. مک دونالدی شدن                     |
| ۳۰۰ | ۸. پساکار                             |
| ۳۰۵ | ۹. خطر                                |
| ۳۰۹ | ۱۰. معضلات اندیشه پسا هویت            |
| ۳۱۲ | ۱۱. نتیجه‌گیری                        |

## فصل یکم: بازگویی فراغت

### مطالب این فصل

- معرفی مفهوم بازگویی فراغت؛
- بررسی دلایل قابل دفاع نبودن آزادی و انتخاب فردی در فراغت؛
- معرفی رویکردی که ابعاد ساختاری صورت و تجربه فراغت را به رسمیت می‌شناسد؛
- طرح این اندیشه که صورت و تجربه فراغت چگونه در چهارچوب ایدئولوژی تعیین می‌شود؛
- آموزش پایه‌های تحلیل «الف» و «ب»؛
- طرح این پرسش که چگونه انگیزه فراغت در چهارچوب مکان و بستر تحکیم می‌شود؛
- ضعف‌های رویکرد روان‌شناختی به فراغت؛
- طرح محوری بودن پرسش‌های مربوط به جسمانیت و مکانیت در فراغت؛
- ارزیابی اهمیت روش‌شناسی تاریخی - تطبیقی و اخلاق شناخت در مطالعه فراغت.

فراغت، رفتاری داوطلبانه است. مطالعات فراغت در پیش‌پافتاده‌ترین بیان آن، تحلیل رفتار داوطلبانه است. انتخاب، آزادی و داوطلب‌بودن، مؤلفه‌های پایه‌ای روایت فراغت را تشکیل می‌دهند. تحلیل رفتار داوطلبانه باید مبتنی بر داده‌هایی روایتی باشد که بتوان آنها را از طریق مصاحبه، پیمایش، تحلیل تاریخچه زندگی، تجربه‌های مشاهده‌ای و تحلیل تطبیقی و تاریخی جمع‌آوری کرد.

تحلیل روایتی در پی آن است که با استفاده از تفسیرها، تاریخچه‌ها و گزارش‌های مشاهده‌ای مردم، تجربه فراغت را تحلیل کند، اما هدفش قراردادن توالی زمانی و استمرار این گزارش‌ها در چهارچوب اجتماعی - تاریخی است. این چهارچوب، پیرامون ابعاد تطبیقی و تاریخی تحلیل و پردازش نظریه فراغت ساخته شده است تا به این ترتیب فرضیه‌های پایداری درباره تجربه فراغت به دست دهد.

#### پیرایند شماره ۱. روایت کردن

روایت کردن به معنی گزارش‌های بومی تجربه و ارزش‌هاست. در اینجا، اصطلاح «بومی» به معنای عضو یک گروه اجتماعی مشخص است. عضویت گروهی با اصول زیبایی پیوند دارد که جهان را به شیوه‌هایی مشخص طبقه‌بندی می‌کند؛ زیرا منزلت بومی ما یکی از شرایط ولادت است. ما با جهان‌بینی‌ای بزرگ می‌شویم که آگاهانه یا ناآگاهانه آن را «طبیعی» یا «همگانی» می‌دانیم. همان‌طور که در این بررسی روشن خواهد شد، بسیاری از خطاها از این منزلت بومی ناشی می‌شوند.

در نظریه فراغت، گزاره‌های پایدار همواره موقتند. آنها باید با استفاده از داده‌های روایتی موجود در شرایط اجتماعی و تاریخی معین به آزمون کشیده شوند؛ داده‌هایی که مانند خود گزاره‌ها در معرض تغییر قرار دارند؛ بنابراین مارپیچ دوگانه جمع‌آوری داده‌های تجربی از مکان و بستر تجربه و حکم و اصلاح نظریه از طریق آزمون داده‌ها، بنیاد مطالعات فراغت کارآمد را تشکیل می‌دهند.

آنچه مطالعات فراغت را از روایت، روزنامه‌نگاری و ادبیات فراغت جدا می‌کند، معطوف‌بودن آن به درکی علمی از صورت‌ها و تجربه فراغت است. طرح این مطلب که ما هم‌اکنون به چنین سطحی از درک موضوع رسیده‌ایم، اقدامی شتاب‌زده است. هدف ما انباشت دانشی است که عینی‌تر از ادعاهای

سیاسی و حدس و گمان روزنامه‌نگارانه یا فرهنگ قومی باشد. چنین درکی باید «قابل دستیابی»<sup>۱</sup> باشد، بدین مفهوم که بتوان آن را آزادانه و برکنار از محدودیت‌های کاست، طبقه و فرهنگ با دیگران مبادله کرد و به بحث گذاشت؛ بنابراین باید «آزمون‌پذیر»<sup>۲</sup> باشد. جزم‌اندیشی، دشمن مطالعات فراغت است. از آنجاکه ما در دنیایی تغییریابنده و چندوجهی زندگی می‌کنیم، باید این آمادگی را داشته باشیم که گزاره‌های خود را با واقعیت‌های شناخته‌شده بیازماییم و به حکم شواهد علمی، گزاره‌ها را اصلاح و بازتعریف کنیم.

#### ۱. ابعاد ویژه نوعی<sup>۳</sup> و فرهنگی روایت

این نکته مهم است که در داده‌های روایتی میان ابعاد ویژه نوعی و فرهنگی فرق بگذاریم. این ابعاد بازتاب تمایزهای ساختاری و فرهنگی در مناسبت‌های انسانی هستند؛ از این رو همه انسان‌ها دارای یک ساختار ویژه نوعی مشترک از نیازهای جسمانی - روانی هستند؛ برای مثال، همگی به خوردن، نوشیدن، پوشیدن، خوابیدن و معاشرت نیاز دارند. می‌توان گفت که این امور، مجموعه نیازهای پایه و جهان‌شمول نوع بشر را تشکیل می‌دهند. در فضای دانشگاهی و سیاسی کنونی که در آن بر تنوع و تفاوت افراد تأکید می‌شود، یادآوری این نکته دارای اهمیت است، اما ارضای نیازمندی‌های نوعی در فرهنگ‌های مختلف فرق می‌کند؛ برای مثال نیازمندی‌های پوشش یک جنگجوی ماسایی با نیازمندی‌های یک دلال بورس در وال استریت متفاوت است. حتی در یک فرهنگ واحد نیز در میان لایه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی، تنوع زیادی دیده می‌شود؛ مثلاً پوشش یک قاضی ساکن «چنسری لین»<sup>۴</sup> با لباس یک راننده تاکسی اهل «هوبارت»<sup>۵</sup> فرق می‌کند. به همین ترتیب در بعضی مجموعه‌های فرهنگی، ضرورت خوردن غذا بر فرض کیفیت متمایز آن استوار است، نه ارضای نیازی جسمانی. خوردن

1. Accessible

2. Testable

3. Species-Specific

4. Chancery lane

5. Hobart

محل‌های در لندن که مرکز تجمع مؤسسات حقوقی است  
شهری در استرالیا